



Survey the elements of Social development and presentation a template to attainment social development with exploitation Constitution of Islamic Republic of Iran

Elahe Ranjkesh Siahkal *

Law scholar, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Sadegh Moradi

Ph.D Law scholar, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Abstract

From the last few decades Iranian Communities with considering the improvment and development in western countries, discussion about development and it dimension is involved, but it did not very succeed. With regard to the Condtitution of Islamic Republic of Iran, despite the numerous principles that are discussed in detail of the Constitution of the Islamic Republic of Iran, it has always been lagging behind the path of development, especially it social aspect, it has become a matter of great interest. For sure, this persistence stems are from several factors. Social development leads to the strengthening of democracy, because it requires the full participation of citizenry. Also, social development can be considered as a strategy to deal with poverty, although it's a very complex and long-term process.

In order to achieve the purposes of social development, paying attention to other dimensions of development, especially economic and political development, is very vital. in a way that it can be confidently acknowledged that without the realization of economic development, it is impossible to move in the direction of social development, and considering the economic situation this days of Iran, this is facing several problems. In the current research, the authors, while using the library method and criticizing and analyzing the laws and regulations of the events, guide the new model of social development through comparative study, evaluation of global indicators and principles governing the constitution of the Islamic Republic of Iran.

Keywords: template, development, socialdevelopment, developmentindex, constitution

Received: 24/February/2023

Accepted: 15/August/2023

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

بررسی عناصر اصلی و ارائه الگو در راستای توسعه اجتماعی با بهره‌گیری از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

الهه رنجکش سیاهکل *

پژوهشگر حقوق دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

صادق مرادی

پژوهشگر دکتری تخصصی حقوق و مدرس حقوق، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

چکیده

چند دهه اخیر در محافل علمی ایران، صحبت پیرامون توسعه سیاسی و اقتصادی با در نظر گرفتن پیشرفت و توسعه در ابعاد مختلف آن در کشورهای غربی بالا گرفت اما توفیق و انجामी نیافت. این امر که چرا جامعه ایران با وجود اصول متعددی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به تفصیل به آن پرداخته شده، همواره از مسیر توسعه و به‌ویژه بعد اجتماعی آن عقب مانده، بسیار مورد توجه واقع شده است. البته این جاماندگی از عوامل مختلف و متعددی نسبت می‌گیرد؛ ایضاً توسعه اجتماعی منجر به تقویت دموکراسی نیز می‌گردد چراکه مشارکت همه‌جانبه شهروندان را می‌طلبد. همچنین، توسعه اجتماعی را می‌توان راهبردی جهت مقابله با فقر پنداشت. با این حال، فرایندی بسیار پیچیده و بلندمدت است.

برای نیل به اهداف توسعه اجتماعی، توجه به دیگر ابعاد توسعه، بالأخص توسعه اقتصادی و سیاسی، بسیار حیاتی است به‌نحوی که می‌توان با اطمینان اذعان داشت که بدون تحقق توسعه اقتصادی، حرکت در مسیر توسعه اجتماعی ناممکن است. با توجه به اوضاع اقتصادی امروز ایران، این امر با مشکلات متعددی مواجه می‌گردد. نگارندگان در پژوهش حاضر، ضمن بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای و نقد، تحلیل و بررسی قوانین، مقررات و وقایع، الگوی نوین توسعه اجتماعی را از رهگذر مطالعه تطبیقی ارزیابی شاخصه‌های جهانی و اصول حاکم بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهنمون می‌سازند.

کلیدواژه‌ها: الگو، توسعه، توسعه اجتماعی، شاخص توسعه، قانون اساسی

مقدمه

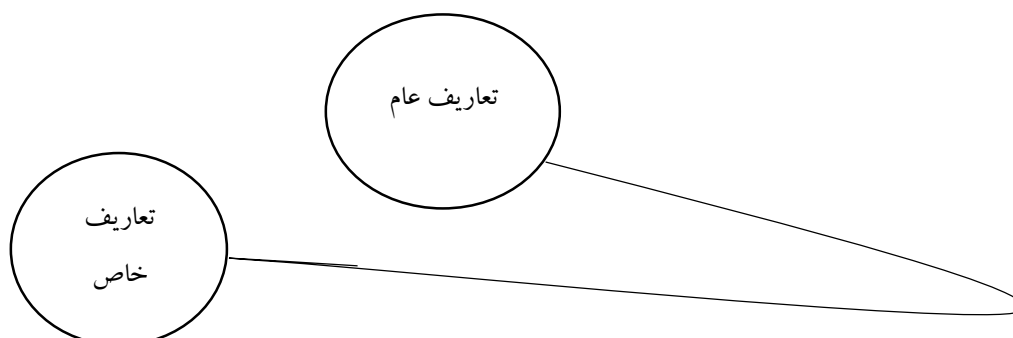
اصطلاح توسعه که فراگیری آن را می‌توان از امروز تا بعد از جنگ جهانی دوم تسری داد، در لغت می‌توان به معنای خروج از لفاف دانست. در قالب نظریه، لفاف همان جامعه سنتی و فرهنگ و ارزش‌های مرتبط با آن است که جوامع در راستای تجدید باید از این مرحله گذر نمایند. از نکات مهم توسعه می‌توان به ارزشی تلقی شدن توسعه، پیچیدگی و چندبعدی بودن آن و ارتباط آن با مفهوم بهبودی اشاره داشت (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۷: ۶).

همچون بسیاری از مفاهیم دیگر حوزه علوم انسانی که تعریف واحدی از آن‌ها وجود ندارد، در مورد مفهوم توسعه نیز تعاریف بسیاری وجود دارد که به شرح ذیل به بررسی چند مورد از این تعاریف خواهیم پرداخت:

مایکل تودارو از توسعه با عنوان جریانی چندبعدی یاد کرده که مستلزم تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیاز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است (آقائی، ۱۳۹۲: ۶۹۸). از نظر تودارو، توسعه در همه جوامع باید به دنبال افزایش دسترسی به امکانات تداوم بخش زندگی چون خوراک، مسکن، بهداشت و بالا رفتن سطح زندگی با افزایش درآمد، ایجاد زمینه اشتغال، آموزش بهتر و گسترش دامنه انتخاب‌های اقتصادی و اجتماعی افراد و ملت‌ها، با رهانیدن آن‌ها از قید وابستگی و غیره باشد. بدین ترتیب، در کنار رشد اقتصادی، مسائلی چون خودکفایی، عدالت اجتماعی، برابری و بهبود کیفیت زندگی نیز حائز اهمیت است (کلانتری و گنجی، ۱۳۸۴: ۱۵۹).

دادلی نیز توسعه را تغییرات بنیادین در وضعیت فقر، بیکاری و نابرابری دانسته، کاهش چشمگیر در این سه زمینه را از نشانه‌های توسعه در یک کشور و یا یک منطقه عنوان نموده و معتقد است که توسعه، حتی عادات، رسوم و عقاید را نیز در بر می‌گیرد (ممتاز، ۱۳۹۴: ۵).

اندیشمندان دیگری نیز در این حوزه چون برنشتاین، پیترو دونالدسن و میسرا، تعاریفی از توسعه ارائه داده‌اند که در این تعاریف نیز چندبعدی بودن توسعه، ارزشی بودن توسعه، ایجاد تغییرات اساسی در ساختارهای اجتماعی و تلاش برای دستیابی به زندگی بهتر، مفاهیم مشترک آن‌ها برای این تعریف است (ازکیا، غفاری، ۱۳۸۴: ۲۴-۲۵). به‌طور کلی، می‌توان تعاریف ارائه شده از توسعه اجتماعی را به دو دسته کلی تعاریف خاص و تعاریف عام تقسیم نمود. در تعریف خاص از توسعه اجتماعی، تعریف بیشتر بر یک یا چند بعد مختصر تأکید داشته و اهمیت آن بعد و یا ابعاد در فرایند توسعه اجتماعی را برجسته ساخته است اما در تعریف عام، توسعه اجتماعی به مثابه یک کلیت در نظر گرفته شده که دارای ابعاد مختلفی بوده و برای سنجش این مفهوم، نیازمند سنجش تمامی ابعاد زیرمجموعه آن هستیم.



شکل ۱: مفاهیم قابل بیان و تقسیم‌بندی قابل ذکر از توسعه اجتماعی

تعاریف خاص از توسعه اجتماعی: این قبیل تعاریف با تأکید بر یک یا دو بعد مشخص در تعریف خود از توسعه اجتماعی، این ابعاد را برجسته ساخته‌اند. در اینجا می‌توان به تعریف استس از مفهوم توسعه اشاره داشت که ایشان

با تأکید بر دو بعد اقتصاد و آزادی، توسعه اجتماعی را حوزه میان‌رشته‌ای و میان‌بخشی دانسته که در جستجوی بهبود رفاه مادی و اجتماعی مردم در همه سطوح جامعه است. این مورد به‌طور ضمنی بیانگر دو نکته است؛ نخست، تأمین رضایت مردم در سطوح حداقلی نیازهای اساسی از راه تأمین نیازها و دوم، افزایش سطح آزادی که با رشته انتخاب‌هایی که مردم می‌توانند داشته باشند، اندازه‌گیری شود. از منظر ایشان، اهداف توسعه اجتماعی از طریق مشارکت مردم تا بالاترین حد ممکن در تعیین اهداف و نتایج توسعه تعقیب می‌شوند (استس، ۲۰۰۰: ۱۴).

اندیشمند دیگری با نام جوزف استیگلیتز با تأکید بر بعد سرمایه اجتماعی، توسعه اجتماعی را توانایی هر جامعه برای حل صلح‌آمیز تضادها، پیوند منابع و علایق مشترک به هنگام اختلاف منافع دانسته است. ایشان بر سرمایه اجتماعی و اعتماد در تسهیل معامله متقابل به عنوان عناصر مهم توسعه اجتماعی تأکید داشتند.

سازمان‌های فعال در این حوزه نیز تعاریف و شاخصه‌های خود را از این مفهوم دارند که هر ساله گزارش‌های خود را مبنی بر آن‌ها تنظیم می‌نمایند. بانک جهانی در تعریف توسعه اجتماعی، بر دگرگونی ساختار در زمینه افزایش انسجام اجتماعی، پاسخگو ساختن کارگزاران و سازمان‌های صاحب قدرت تأکید دارد.

تعاریف عام از توسعه اجتماعی: در این دسته‌بندی نیز به نظرات اندیشمندان به شرح آتی خواهیم پرداخت. توسعه اجتماعی، فرایندی است که فعالیت و انرژی‌های بشر را در سطوح بالا به‌منظور رسیدن به نتایج بهتر، سازمان‌دهی و از توان او استفاده می‌کند (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۳).

گانبر، فارلند و اسکان نیز با معادل قرار دادن مفهوم توسعه و توسعه اجتماعی، آن را عزیمت همه‌جانبه و رو به کمال جامعه از سطوح پایین به سطوح بالای توانایی، کارآمدی، کیفیت، بهره‌وری، پیچیدگی در ک خلقیت، مهارت، لذت و فضیلت دانسته‌اند.

بنا بر عقیده جونز و پند، توسعه اجتماعی، تلفیقی از سازمان‌دهی اجتماعی و برنامه‌ریزی و طراحی اجتماعی است اما چیزی بیش از تجمیع ساده این دو حوزه است. توسعه اجتماعی، استراتژی سیاسی، توسعه اقتصادی، حمایت اجتماعی، تحلیل برنامه‌ریزی دولت و پژوهش ارزیابی را شامل می‌شود و آن‌ها را در کنار هم می‌خواهد.

دیگر اندیشمندان نیز این شکل از توسعه را بیانگر کیفیت سیستم اجتماعی دانسته و آن را به پنج بعد همبستگی اجتماعی، عدالت اجتماعی، کیفیت زندگی، امنیت اجتماعی و اخلاق توسعه اجتماعی تقسیم نموده‌اند (آزاد و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۸).

با در نظر گرفتن جمیع ضوابط فوق می‌توان مفهوم توسعه اجتماعی را جامع‌تر از مفهوم توسعه اقتصادی دانست چرا که بعد اجتماعی توسعه به دنبال بهره‌مندی از اهداف و آرمان‌های مشخص و گسترده اجتماعی است.

حسب نظر کارشناسان و نظریه‌پردازان این حوزه می‌توان اذعان داشت که توسعه اجتماعی از دو بعد مرتبط با یکدیگر شکل گرفته است؛ نخست، توسعه ظرفیت مردم در راستای تداوم کار در جهت رفاه خویش و دوم، تغییر و یا توسعه نهادهای اجتماعی به‌نحوی که نیازهای بشر را در تمامی سطوح، بالأخص در سطوح حداقلی از طریق بهبود روابط بین مردم و نهادهای سیاسی-اجتماعی برآورده نمایند. در این فرایند، جامعه به دنبال توازن بین نیازهای کمی و کیفی‌ای است که به‌واسطه تغییر در نهادهای اجتماعی و در جهت بهره‌برداری از منابع در دسترس پدید آمده است. لذا به وجود آوردن رابطه اساسی توسعه اجتماعی با عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه امکانات، از مزایای توسعه به شمار می‌رود. در مفهوم عرفی علوم اجتماعی گذشته نیز مفهوم توسعه اجتماعی، برابر با تحول یا تکامل اجتماعی بوده اما در مباحثی که بعداً مطرح گردید، تمرکز توسعه غالباً متوجه بهبود کیفیت زندگی است.

سؤالات پژوهش

نخست: مصادیق اصلی توسعه اجتماعی مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مشمول چه مواردی است؟
دوم: بررسی نقش و تأثیر دولت در مسیر نیل به توسعه اجتماعی (با تأکید بر دولت حداقلی).

پیشینه پژوهش

از مؤسساتی که به بررسی و سنجش توسعه در سطح جهانی می‌پردازند، می‌توان به مؤسسه جهانی لگاتوم اشاره داشت. این مؤسسه جهانی، سالانه با به‌کارگیری داده‌هایی که جمع‌آوری می‌کند و با ترکیب داده‌ها با داده‌های جهانی گالوپ و ارزش‌های جهانی، رتبه‌بندی را با عنوان کامیابی یا رفاه از کشورهای جهان ارائه می‌کند. در این سنجش جهانی، دوازده شاخصه اصلی وجود دارد که عبارت‌اند از امنیت، آزادی‌های فردی، حکمرانی، سرمایه‌های اجتماعی و فرصت سرمایه‌گذاری، فرصت کسب‌وکار، زیرساخت‌ها و دسترسی به بازار، اقتصاد، شرایط زندگی، سلامت، تحصیل، محیط‌زیست.

مطابق شاخصه‌های این مؤسسه برای کامیابی یا رفاه، در مقایسه با دیگر شاخصه‌های سنجش توسعه اجتماعی، الگو و شاخصه‌های جهانی مؤسسه لگاتوم از قابلیت مطلوب‌تری جهت سنجش ابعاد مختلف توسعه اجتماعی برخوردار هستند. در کشور ایران، یکی از مهم‌ترین نهادهایی که به بررسی وضعیت توسعه اجتماعی می‌پردازد و امکان رجوع به آن وجود دارد، مؤسسه بین‌المللی مطالعات اجتماعی است. این مؤسسه، هر پنج سال گزارشی با عنوان شاخصه‌های توسعه اجتماعی ارائه می‌کند. در این گزارش‌ها، شش شاخصه اصلی وجود دارد که عبارت‌اند از فعالیت مدنی، انجمن‌ها، انسجام درون‌گروهی، اعتماد و امنیت میان شخصی، برابری جنسیتی و ادغام اقلیت‌ها.

از دیگر پژوهش‌ها در این زمینه می‌توان به پژوهش عبداللهی در سال ۱۳۷۰ استناد جست. بنا بر نظر ایشان، جامعه‌شناسی در ایران نتوانسته نقش حقیقی خود را در افزایش شناخت علمی مردم یا در تنظیم دقیق برنامه‌های توسعه ایفا کند. با فرض اینکه اصلاح نظام در اصلاح عناصر آن می‌تواند در اصلاح و بهبود کیفیت عملکرد هر یک از عناصر در اصلاح و بهبود عملکرد کل نظام مؤثر باشد، ایشان به چند مورد اصلاحی اشاره داشتند که عبارت‌اند از:

نخست- تغییر و اصلاح نظام توسعه اجتماعی-انسانی و نحوه ارتباط متقابل آن با مراکز علمی و اجرایی در قالب نظم اجتماعی کشور؛

دوم- تغییر و اصلاح مراکز تولید شناخت علمی، به‌ویژه مراکز آموزش و پژوهش دانش اجتماعی و جامعه‌شناختی؛ سوم- تغییر و اصلاح مراکز اجرایی و برنامه‌ریزی توسعه در کشور.

پژوهش ایشان غالباً متوجه اصلاحات بنیادین کشور در مسیر توسعه بوده و توسعه را نوعی فرایند مشارکت مردمی عام‌گرا می‌دانند که در جهت به حداکثر رساندن انرژی مهار شود و به‌منظور پاسخگویی به نیازهای جسمانی، روانی و اجتماعی ملت و با هدف رشد و شکوفایی استعداد آنان در جامعه، سازمان‌دهی گردد. این پژوهش غالباً جنبه توصیفی-تحلیلی داشته اما پیشنهاد در راستای بهبودی اوضاع جامعه شکل گرفته درحالی که در خصوص وضعیت توسعه اجتماعی در ایران، تحلیلی ارائه نشده است.

موضوع پژوهش حاضر با بهره‌گیری از قواعد حاکم بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بوده و به نحوی، درون‌زا به شمار می‌آید. همچنین، در راستای غنای الگوی اصلی از برخی شاخص‌های برجسته توسعه در سطح جهانی نیز بهره گرفته شده و پیرامون وضعیت توسعه اجتماعی از منظر مؤسسات بین‌المللی نیز آماری ارائه داده است. لذا، این موارد سبب تمایز پژوهش حاضر از سایر پژوهش‌های پیش‌تر انجام‌شده گشته است.

روش^۱

پژوهش پیش رو با رویکرد تحلیل محتوای قوانین و مقررات و ارائه تعاریف و ارزیابی تطبیقی منابع موضوع شاخصه‌های جهانی توسعه اجتماعی و توسعه اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بهره‌گیری از داده‌های جهانی سنجش توسعه، به‌ویژه بعد اجتماعی آن، به ارائه راهکارهای اجرایی پرداخته و از لحاظ نحوه به کارگیری نتایج، در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد.

یافته‌ها

یکی از مهم‌ترین مقاصد قانون‌گذاری در هر کشور، برآورده نمودن نیازهای شهروندان است؛ نیازهای حداقلی نظیر:

۱. امنیت (اعم از مادی و معنوی):

امنیت، یک مفهوم مشترک بین ملت و حاکمیت به منظور اداره امور اجتماع است. وجود امنیت را به نحوی می‌توان پیش‌نیاز بهره‌مندی از سایر ابعاد توسعه دانست. لذا، وجود امنیت یکی از مهم‌ترین ارکان برای حرکت به سوی توسعه است. شناخت ابعاد تأمین امنیت نیز اهمیت بسزایی دارد.

در یک تقسیم‌بندی جامع مطمح نظر نویسندگان، امنیت در دو بعد مادی و معنوی قابل بررسی است.

امنیت معنوی: امنیت معنوی دربرگیرنده بعد ناملموس امنیت شهروندان است. امنیت سیاسی از حیث آنکه تعیین‌کننده ماهیت قدرت در ساختار اجتماعی است و حقوق و آزادی‌هایی را برای شهروندان به ارمغان می‌آورد، در ذیل امنیت معنوی قابل بررسی است؛ همچون امنیت اجتماعی که عبارت است از آسایش همگانی ملت و اطمینان آن‌ها از حفظ ارزش‌ها و ایضاً، امنیت فرهنگی که عبارت است از حفظ فرهنگ نیاکان (از ارکان اصلی و بنیادی امنیت شهروندان). مصادیق امنیت مادی:

امنیت نظامی: در یک تعریف ساده می‌توان آن را دفاع مردم یک کشور از سرزمین و شهروندان دانست که به وسیله نیروی نظامی و ابزارهای دفاعی صورت می‌پذیرد.

امنیت اقتصادی عبارت است از توانایی افراد جامعه در برآورده‌سازی نیازهای حداقلی زندگی. در بخش امنیت اقتصادی، اشاره به دولت حداقلی مناسب است. دولت حداقلی در یک تعریف ساده عبارت است از شکلی از دولت در فلسفه سیاسی که بنا بر آن، تنها کارکرد مشروع حکومت، حفاظت از شهروندان در برابر پیمان‌شکنی، دزدی و غیره بوده و تنها نهادهای مشروع در چنین نظامی، پلیس و دادگاه هستند. البته، این مفهوم در حالت گسترده خود، آتش‌نشانی‌ها، زندان‌ها، عملکردهای اجرایی و قانون‌گذاری را نیز در بر می‌گیرد و آن‌ها را جزئی از کارکردهای مشروع دولت محسوب می‌کند.

در مسیر نیل به توسعه، بالأخص بعد اجتماعی آن، وجود دولت حداقلی در جوامع الزامی است به نحوی که با یک مشاهده ساده می‌توان شاهد بود که جوامع توسعه‌یافته یا در مسیر توسعه، غالباً بهره‌مند از دولت حداقلی هستند و نه دولتی همچون جامعه ایران. این امر یکی از بزرگ‌ترین موانع پیش روی توسعه در جامعه امروز ایران است.

۲. نیازهای مادی و معیشتی:

حق مسکن:

یکی از نیازهای بنیادی و اساسی بشر، بهره‌مندی از مسکن و اقامتگاه است. برخورداری از مسکن با هدف برقراری روابط اجتماعی سالم، احساس وابستگی اجتماعی، تلاش برای گسترش روابط دوستانه، جمعی و برقراری پیوندهای ظریف‌تر درون خانوار و بهره‌مندی از محبت و عواطف انسان‌ها در سطح خانواده و جامعه، اهمیت بسیاری دارد

(منوچهری، ۱۳۸۲: ۷۸). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در چند اصل صراحتاً به این موارد پرداخته که این اصول به شرح آتی است:

هیچ‌یک از افراد را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید نمود و یا از اقامت در محل موردعلاقه‌اش منع و یا به اقامت در محلی مجبور ساخت؛ مگر در مواردی که قانون صراحتاً چنین مقرر دارد.^۱

برخورداری از مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است و دولت موظف است با رعایت اولویت برای آن‌ها که نیازمندتر هستند، به‌خصوص روستائینان و کارگران، زمینه تحقق این اصل را فراهم سازد.^۲ این اصل نیز به اهمیت حق بهره‌مندی از مسکن و وظیفه دولت جمهوری اسلامی در تحقق اصل مذکور اشاره دارد. حق اشتغال:

صحیح است که توسعه اجتماعی نسبت به توسعه اقتصادی، مفهومی گسترده‌تر بوده اما لازمه تحقق توسعه اجتماعی، هم‌سویی، همپایی و رابطه متقابل با توسعه اقتصادی و سایر ابعاد توسعه است. حق بهره‌مندی از بیمه و تأمین اجتماعی:

توجه به تأمین اجتماعی شهروندان، نخستین بار در نظریه اقتصادی کینز مورد توجه قرار گرفت و در دولت‌های رفاه اروپایی به وقوع پیوست اما با توجه به کارآمدی این امر، مورد توجه سایر ملل و دول در جهان با نظام‌های سیاسی و اقتصادی مختلف واقع گردید؛ تا آنجا که امروزه به‌عنوان یکی از سازوکارهای اساسی در برقراری عدالت اجتماعی به شمار می‌آید و میزان توسعه اجتماعی کشورها به‌نوعی با تأمین اجتماعی و افزایش اطمینان خاطر و آسودگی شهروندان نسبت به آینده و حوادث احتمالی آن مرتبط است و از حیث آنکه سبب اطمینان خاطر و حفظ کرامت شهروندان می‌شود، از منظر جامعه‌شناسی همچون مایکل تودارو، یکی از ویژگی‌های مطلوب جامعه به شمار می‌رود و در جوامع توسعه‌یافته نیز جزئی لاینفک بوده که بسیار مورد توجه واقع شده است.

در قانون اساسی کشور ما نیز به این شاخص توجه شده است. این اصل به شرح آتی است:

بهره‌مندی از تأمین اجتماعی از منظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به‌صورت بیمه و غیره، حقی همگانی است و دولت جمهوری اسلامی مکلف است مطابق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی مذکور را برای همه افراد کشور تأمین نماید.^۳

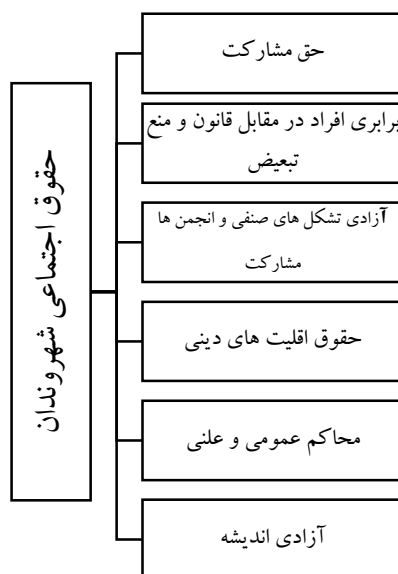
۳. نیازهای مدنی:

انسان، موجودی مدنی‌الطبع و اجتماعی است. این فرایند با تولد انسان در یک جامعه آغاز می‌شود. انسان همواره با دیگر انسان‌ها ارتباط دارد و در این رابطه طبیعتاً نیازمند حقوق اجتماعی و شهروندی است.

۱. اصل سی و سوم، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۲. اصل سی و یکم، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۳. اصل بیست و نهم، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.



شکل ۲: حقوق اجتماعی شهروندان مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۴. نیازهای زیست‌محیطی:

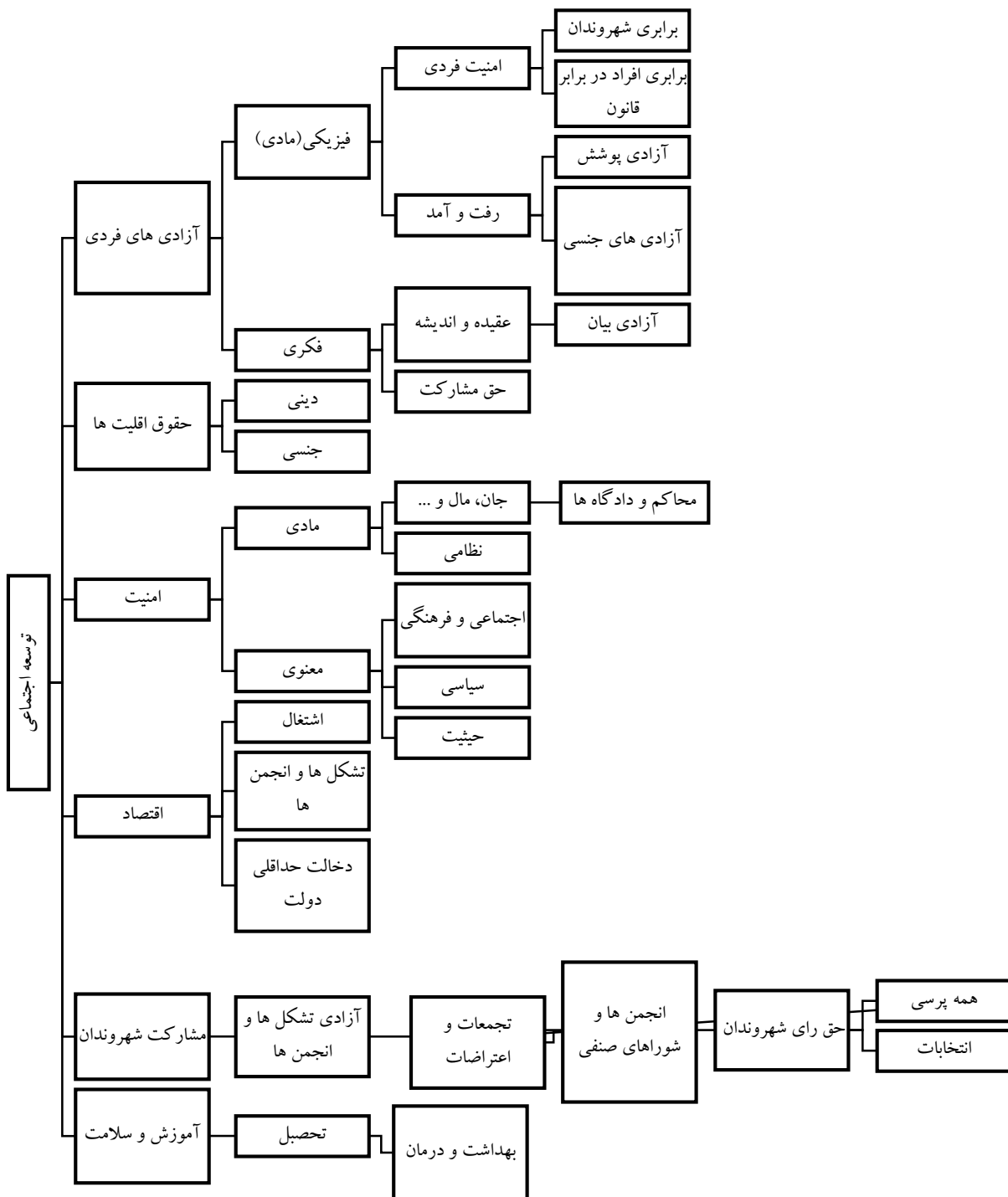
درباره مفهوم حق بر محیط‌زیست، تعریف جامع مورد قبول اکثریت ارائه نشده است. با این وجود، مواد ۱۴ و ۱۵ پیش‌نویس سومین میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی، تا حدودی حق بر محیط‌زیست را تبیین نموده است که این مواد به شرح ذیل است:

ماده ۱۴: هر انسان و کلیه انسان‌ها به صورت گروهی حق دارند از محیط‌زیست سالم و متعادل از نظر زیست‌محیطی و مساعد برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی برخوردار گردند.

ماده ۱۵: دولت‌های عضو متعهد می‌گردند که شرایط طبیعی حیات را دچار تغییرات نامساعدی ننمایند که به سلامت انسان و همزیستی جمعی، صدمه وارد کند؛ صدمه‌ای که برای توسعه جمع ضروری باشد و راهی برای اجتناب از آن وجود نداشته باشد، قابل قبول محسوب می‌گردد.

همچنین، اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن حق نسل امروز و نسل‌های بعد، بر حیات اجتماعی در محیط‌زیست تصریح می‌کند که حفاظت از آن وظیفه عمومی است. لذا، فعالیت‌های اقتصادی و غیراقتصادی که منجر به آسیب به محیط‌زیست گردند، آن را آلوده نمایند و یا آسیب غیرقابل جبرانی به بار آورند، صراحتاً ممنوع اعلام شده است.

توجه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به نیازهای مذکور، قابل بررسی است. مقصود نویسندگان غالباً متوجه آن دسته از نیازهای اجتماعی است که نقشی در توسعه اجتماعی ایفا کنند. بدین ترتیب، در ذیل الگوی اصلی پژوهش به تفصیل به آن‌ها خواهیم پرداخت.



شکل ۳: الگوی اصلی پژوهش در جهت توسعه اجتماعی با بهره‌گیری از شاخصه‌های بین‌المللی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

آزادی‌های فردی

آزادی، یکی از پرکاربردترین اصطلاحات در واژگان سیاسی است که همچون غالب دیگر مفاهیم این حوزه، تعریف واحدی از آن وجود ندارد. از این رو، فیلسوفان و سیاستمداران، آزادی را آن گونه که مورد پسندشان است، بازتعریف

می‌کنند (تنسی، جکسون، ۱۳۹۲: ۲۹). آزادی فردی از شاکله‌های حکومت و سیاست محسوب می‌شود. چنانچه گفته می‌شود، اندیشه بنیادی در دموکراسی، حکومت مردم بر مردم است و این امر تحقق‌پذیر نخواهد بود اگر مردم نتوانند نظر خویش را به یکدیگر عرضه دارند (جونز، ۱۳۹۰: ۲۰۰).

آزادی، مفهومی نسبی است و تحت تأثیر عوامل گوناگونی از جمله شرایط خاص یک جامعه قرار دارد. درواقع، نقش اصلی جامعه را باید در بسترسازی و آماده‌سازی شرایط جستجو نمود؛ بنابراین، آثار اجتماعی غیرقابل‌انکار هستند. از طرف دیگر، در جوامع دموکراتیک با وجود شهروندان مسئولیت‌پذیر و آگاه، میزان بیشتری از آزادی‌های فردی و اجتماعی وجود دارد ولی در جوامعی که در آن‌ها فضای باز وجود ندارد و عمدتاً اقتدارگرا هستند، آزادی معنای چندانی پیدا نمی‌کند. به هر جهت، آزادی همواره رابطه‌ای با فردیت و فردگرایی دارد و در جامعه‌ای که ارزش‌ها و ایده‌های افراد از اعتبار بالایی برخوردار است، می‌توان سخنی از آزادی به میان آورد. لذا، فرد، انتخاب‌گر و خودمختار است و بر اساس آگاهی از ترجیحات خود دست به انتخاب می‌زند. در این دیدگاه، تنها مرجع تشخیص خیر، خواه بر حق مقدم باشد و یا مؤخر، فرد است و در نتیجه، منظور از خیر در هر دو رویکرد خیر، فردی و به عبارت دیگر، خیری است که مرجع قضاوت در مورد خیر بودن آن، خود فرد است (لشکری، ۱۳۹۶: ۷۰). در یک تقسیم‌بندی کلی، آزادی‌های فردی را می‌توان در دو دسته آزادی فیزیکی (مادی) و آزادی فکری مورد بررسی قرار داد. آزادی مادی یا فیزیکی دربرگیرنده آزادی پوشش و آزادی‌های جنسی است که دو مورد از مهم‌ترین عناصر بعد اجتماعی توسعه در کشورهای توسعه‌یافته جهان تلقی می‌شوند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر ممنوعیت موارد مذکور صراحتاً اشاره‌ای نشده است اما با توجه به اینکه کشور و تمامی قوانین ما تا حدودی برگرفته از شرع اسلام است و در اسلام، حجاب و روابط جنسی (روابط جنسی در اسلام با محدودیت‌های بسیاری مواجه است و صراحتاً در این باره در اسلام حکم شده است) به عنوان عناصر مهمی تلقی می‌شوند و با عطف توجه به قوانین در کشور ایران که اختیار قانون‌گذاری به مجلس واگذار شده است، مجلس نیز در قانون مجازات اسلامی به بحث بی‌حجابی ورود کرده و این قانون برای اشخاص بی‌حجاب، مجازات حبس از ۱۰ روز تا دو ماه و یا از ۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار ریال جزای نقدی تعیین نموده است. طبق اصل ۷۱، مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند. همچنین، مطابق اصل ۷۳، شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. مفاد این اصل، مانع از تفسیری که دادرسان در مقام تمیز حق از قوانین می‌کنند، نیست؛ بنابراین، قانون اساسی اختیارات گسترده‌ای به مجلس شورای اسلامی، هم از منظر قانون‌گذاری و هم از نظر تفسیر قانون، اعطا کرده است.

مجلس شورای اسلامی نیز با توجه به این اختیارات اعطاشده، قوانین مختلفی در زمینه حجاب وضع کرده است. ابتدا، در قانون مجازات سال ۶۲ به این موضوع پرداخت و سپس با اصلاحات مختلف قانون مجازات در سال ۷۵، بخش پنجم قانون تعزیرات، ماده ۶۳۸ به مسئله بی‌حجابی ورود کرد. علاوه بر آن، در سال ۶۵، در قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آن‌ها در ملاءعام خلاف شرع است یا عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند، هم به مجازات تولیدکنندگان این البسه پرداخته است و هم به مجازات کسانی که در انتظار عمومی، وضع پوشش و آرایش آنان خلاف شرع و یا موجب ترویج فساد یا هتک عفت عمومی باشد. با این اوصاف، در خصوص این ماده باید گفت که عنوان آن به بی‌حجابی اشاره ندارد و مواردی مثل تظاهر به روزه‌خواری را در بر می‌گیرد. تبصره ماده نیز فقط به نداشتن حجاب اشاره داشته و اشاره‌ای به بدحجابی نمی‌کند. مطابق با تعاریف و مصداق‌های موجود، عرف بین بی‌حجاب و بدحجاب تفاوت قائل شده و موضوع تبصره فقط به بی‌حجابی پرداخته است. همچنین، از این نظر که جرم بی‌حجابی، جرمی مشهود است، اگر مأموران نیروی انتظامی در همان لحظه و با مشاهده شخص اقدامی انجام ندهند،

پس از گذشت آن (برای مثال، ارسال پیامک چند روز بعد) نمی‌توانند اقدامی را از منظر قانونی بدون دستور مقام قضایی انجام دهند (شفیعی، ۱۴۰۱).

با این وجود، یکی از ملزومات اصلی توسعه اجتماعی در هر کشور، توجه به آزادی‌های فردی شهروندان است. بدون وجود آزادی‌های فردی، گذار از این مرحله برای کشور ایران و رژیم حاکم وجود ندارد. کشور عربستان به‌عنوان مهد اسلام، سال‌ها پیش از مواجه شدن با بحران آزادی‌های فردی، متوجه اهمیت آزادی‌های فردی قرار گرفت و علاج واقعه را پیش از وقوع جست. گرچه دلایل تغییرات بنیادینی که در امارات متحده عربی رخ داد، صرف آزادی‌های فردی نبود و ابعاد دیگری نظیر اقتصاد و غیره را نیز شامل می‌شد اما این مورد نیز بی‌تأثیر نبوده است.

آزادی بیان در ذیل آزادی‌های فردی

تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌یک از شهروندان را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد. قانون اساسی به‌عنوان منشوری از حقوق ملت، وظیفه تصریح آزادی‌ها و حقوق شهروندان را بر عهده دارد. یکی از اصلی‌ترین اصولی که از معیارهای تحقق توسعه سیاسی و اجتماعی در جهان شناخته می‌شود، اصل آزادی بیان است. عدم وجود اصل آزادی بیان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصلی که صراحتاً به آزادی بیان پرداخته باشد، احساس می‌شود. لذا، با توجه به اهمیت اصل آزادی بیان و با در نظر گرفتن آنکه صراحتاً در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این اصل نفی نشده و با لحاظ اصل آزادی اندیشه و ممنوعیت تفتیش عقاید می‌توان چنان استنباط کرد که آزادی بیان نیز به رسمیت شناخته شده است. با این حال، عدم وجود اصلی که صراحتاً به این امر اختصاص یافته باشد و آن را تصریح کند، همواره یک خلأ بزرگ را در ذیل حقوق و آزادی‌های ملت به ارمغان آورده است. با این وجود، مضمون اصل ۱۷۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اشاره جزئی بر آزادی بیان دارد اما همان‌طور که پیش‌تر هم بیان شد، فقدان اصلی که صراحتاً این اصل را منع یا تصریح در فعل کند، همواره محل تأمل است.

برابری افراد در مقابل قانون و منع تبعیض:

از دیگر شاخصه‌های توسعه، بالأخص بعد اجتماعی آن، برابری افراد ملت در برابر قانون است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این امر توجه ویژه‌ای داشته و همه مردم ایران را از هر قوم و قبیله‌ای که باشند، از حقوق مساوی برخوردار می‌داند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها را نیز سبب امتیاز نمی‌داند.^۱

این اصل به تساوی حقوق بین ملت پرداخته و هیچ ویژگی قومی، قبیله‌ای و غیره را سبب برتری شخصی بر دیگر اشخاص نمی‌داند.

همچنین، همه افراد ملت اعم از زن و مرد، در حمایت یکسان قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردار هستند. بدیهی است قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر منع تبعیض تأکید دارد و زن و مرد را در برابر قانون در چارچوب موازین اسلام، برابر دانسته است.^۲

اقلیت‌ها

بلاشک، اقلیت‌ها جزئی از هر جامعه هستند. به‌طور کلی، اقلیت‌ها را می‌توان در دو دسته اقلیت‌های دینی و اقلیت‌های جنسی خلاصه کرد. قانون اساسی کشور ما توجه ویژه‌ای به اقلیت‌های دینی داشته است، چنان‌که اصول متعددی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این امر پرداخته‌اند، نظیر اصل سیزدهم که مقید داشته: ایرانیان زرتشتی، کلمی و

۱. اصل نوزدهم، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۲. اصل بیستم، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند. ایضاً در اصل دیگری به حکم آیه شریفه «لا ینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین»^۱، دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظف‌اند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.^۲ به‌علاوه، احزاب، جمعیت، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده آزاد هستند، مشروط بر اینکه ناقض اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی نباشند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور گرداند.^۳ در خصوص اقلیت‌های جنسی نیز در قانون اساسی صراحتاً اشاره‌ای بر منع، نهی یا نفی آن نشده است اما هم‌جنس‌گرایی در دیگر قوانین کشور، جرم و بنا بر شرع اسلام، حرام است. برای گذار از جهان سوم، احترام طبقه حاکم به خواست و احوال شخصیه شهروندان، امری بسیار ضروری است و آزادی مردم جامعه در گرایش‌های جنسی و پوشش اختیاری، سبب تضعیف بنیان دین نمی‌گردد. در ضمن، جرائمی چون ارتداد نیز معنا نمی‌یابند و آزادی بیان به معنای عام آن نیز در اینجا مصداق می‌یابد.

امنیت

در قوانین جمهوری اسلامی ایران، امنیت؛ مطمح نظر قانون‌گذار اساسی نیز بوده است. اصول متعددی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ناظر بر تأمین نیازهای امنیتی شهروندان هستند (اعم از امنیت مادی و امنیت معنوی). این اصول به شرح ذیل است:

تأمین حقوق افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و برابری عموم در مقابل قانون.^۴ حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل افراد مصون از تعرض است؛ مگر در موارد خاص و به تجویز و صراحت قانون.^۵

دادخواهی از حقوق بنیادی هر فرد است. همه افراد ملت می‌توانند به‌منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح مراجعه نمایند. ایضاً همه افراد ملت از این حق برخوردارند که این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌یک از افراد ملت را نمی‌توان از دادگاهی که به‌موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد و مانع مراجعه ایشان شد.^۶ از حیث این امر که در جمهوری اسلامی، روابط اجتماعی مبتنی بر صلاح افراد است، اصل بر براءت بوده و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه، صالح و صراحتاً اثبات گردد.^۷ هتک حرمت و حیثیت هر یک از افراد ملت که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر شکل که باشد، ممنوع و سبب مجازات است.^۸ از این اصل می‌توان احترام و توجه به امنیت معنوی را نیز استنباط نمود.

۱. آیه ۸، سوره ممتحنه.

۲. اصل چهاردهم، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۳. اصل بیست و ششم، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۴. بند چهاردهم، اصل سوم، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۵. اصل بیست و دوم، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۶. اصل سی و چهارم، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۷. اصل سی و هفتم، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۸. اصل سی و نهم، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.^۱ لا ضرر و لا اضرار فی الاسلام؛ اصل مزبور صراحتاً به عدم وجود آسیب و ضرر در اسلام اشاره دارد و مردم را از ضرر رساندن به یکدیگر نیز منع کرده است.

جمع اصول مذکور، حداقل در سطح تصریحات قانونی، مدافع حقوق شهروندی و امنیت ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. توجه به امنیت در قانون اساسی کشور را می‌توان به دو بعد امنیت معنوی و امنیت مادی تقسیم نمود. امنیت مادی دربرگیرنده امنیت نظامی، شغل، مسکن و مال افراد بوده و امنیت معنوی را می‌توان دربرگیرنده امنیت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، حریم شخصی (عقیده و اندیشه) و حیثیت افراد دانست. اصل بیست و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مقرر می‌دارد: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض موصون است؛ مگر در مواردی که قانون تجویز کند. در بعد روانی امنیت می‌توان به اصل بیست و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره داشت که مقرر داشته: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌یک از افراد ملت را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای، مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، صراحتاً از آزادی بیان و حدود و چارچوب‌های آن حرفی به میان نیامده است اما اصل بیست و چهارم را می‌توان مصداقی از آزادی بیان و عقیده پنداشت. مطابق این اصل، نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزاد هستند؛ مگر آنکه مخل به مبانی اسلامی یا حقوق عمومی باشند. البته تفصیل امر مذکور را نیز به قانون واگذار کرده است. اصل بیست و پنجم نیز مصداقی بر امنیت روانی است. مطابق این اصل: بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخایره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هر گونه تجسس منع گردیده است؛ مگر به حکم قانون.

در خصوص دادگاه‌ها و محاکم نیز صراحتاً اشاره شده که محاکمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است؛ مگر آنکه علنی بودن آن به تشخیص دادگاه، منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد و یا در دعاوی خصوصی، طرفین دعوی این امر را تقاضا کنند که محاکمه به شکل علنی نباشد.^۲

اقتصاد

یکی از مهم‌ترین ابعاد تحقق توسعه اجتماعی، هم‌سویی آن با توسعه اقتصادی است به نحوی که بدون توسعه اقتصادی و توجه بر بعد اقتصادی توسعه، نیل به توسعه اجتماعی ناممکن است. رشد اقتصادی به ما این امکان را می‌دهد که هزینه بیشتری برای اهداف اجتماعی و زیست‌محیطی صرف کنیم. حاصل رشد اقتصادی بالا، درآمد بالا، مازاد بودجه بیشتر و صرف هزینه‌های بیشتر در جهت برنامه‌های جدید یا گسترده‌تر است. همچنین، می‌توانیم این‌طور استدلال کنیم که افزایش درآمد که با ستانده افزوده در هر ساعت اندازه‌گیری می‌شود، انتخاب‌ها را افزایش می‌دهد و موجب تسلط بر کالاها و خدمات می‌گردد (Eckersley, 2000: 9).

عدالت اقتصادی و منع تبعیض

دولت جمهوری اسلامی ایران وظیفه دارد به‌منظور نیل به اهداف سیاسی و اجتماعی، تمام امکانات خود را با هدف پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط شرع اسلام جهت ایجاد رفاه، رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه، به کار گمارد.

۱. اصل چهارم، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۲. اصل یک‌صد و شصت و پنجم، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

در خصوص امنیت شغلی، حق برخورداری از شغل، ضرر نرساندن به دیگران و منع تبعیض نیز اصول موردنظر به شرح ذیل است:

رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری^۱.
منع اضرار به غیر و انحصار، احتکار، ربا و دیگر معاملات باطل و حرام^۲.

همچنین، قانون اساسی کشور ما به پیشرفت و توسعه اقتصادی نیز توجه داشته است. برای مثال، بند ۷ از ماده ۴۳ قانون اساسی اشاره دارد که باید از علوم و فنون افراد ماهر نسبت به احتیاج کشور برای توسعه و پیشرفت اقتصادی استفاده نمود. علاوه بر آن، قانون اساسی ما اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی را ممنوع کرده و این امر که صراحتاً دو بار به آن اشاره گردیده است^۳.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، صراحتاً به حق اشتغال در اصول متعددی پرداخته است. هر یک از افراد ملت حق دارد شغلی را که مایل است و مخالف شرع اسلام، مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، انتخاب نماید. دولت نیز موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد ملت، امکان اشتغال به کار و شرایط برابر را برای احراز مشاغل ایجاد نماید^۴.

ایضاً هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی‌تواند به‌عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود، امکان کسب و کار از دیگری را سلب نماید^۵. اصول مذکور نیز بیانگر توجه قانون اساسی به حق اشتغال، امنیت شغلی و وظیفه دولت جمهوری اسلامی در مسیر تحقق و دستیابی به این اصل است.

مشارکت شهروندان

حق مشارکت مردم در هر جامعه، یکی از مهم‌ترین شاخصه‌ها و مؤلفه‌های توسعه (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیره) است. برخی از مشکلات ساختاری و عملکردی برنامه‌های توسعه، از نارسایی‌های این حوزه نشأت می‌گیرد (محسنی، ۱۳۹۳: ۲۳). میزان مشارکت مردم، یکی از حقوق اجتماعی شهروندان بوده که نقش اساسی را در توسعه اجتماعی کشور ایفا می‌کند و بیانگر حکومت بر مبنای اراده مردم است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر این امر توجه کافی داشته و مردم را حاکم بر سرنوشت اجتماعی خویش دانسته. البته حاکمیت مطلق از آن خداوند است.

آزادی انجمن‌ها و تشکل‌ها

از دیگر مؤلفه‌های توسعه، بالأخص بعد اجتماعی آن، آزادی تشکل‌های صنفی و انجمن‌ها است. ایضاً هیچ‌یک از شهروندان را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در آن‌ها مجبور ساخت^۶. در غالب کشورهای توسعه‌یافته، احزاب جزئی از حکومت هستند و نقش بسزایی در اداره امور کشور دارند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در اصل بیست و ششم به این امر اشاره شده است که احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها

۱. بند چهارم، اصل چهل و سوم، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۲. بند پنجم، اصل چهل و سوم، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۳. اصل چهلم، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۴. اصل بیست و هشتم، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۵. اصل چهل و ششم، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۶. اصل بیست و ششم، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

مجبور ساخت. با این وجود، بر این امر که احزاب باید جزئی از حکومت باشند یا خیر، صراحتاً اشاره‌ای نشده است اما در صورت حضور گسترده احزاب در سیاست، اوضاع در مسیر بهبودی نسبی قرار می‌گیرد. تحقق توسعه سیاسی و دموکراسی تا حدود بسیار زیادی منوط بر این امر است.

اصول قانون اساسی که حق مشارکت مردم را تضمین نموده، به شرح آتی است:

در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید به اتکای آراء عمومی و از راه انتخابات اداره شود: انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضاء شوراها و نظایر این‌ها یا از راه همه‌پرسی^۱. در ضمن، بسترسازی برای مراجعه به آراء ملت را نیز وظیفه دولت شناخته است. دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به هدف مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش، از امکانات لازم بهره‌برد. ایضاً مردم باید بر عملکرد دولت نظارت داشته باشند؛ چنان که در اصل هشتم ق.ا به آن اشاره شده و آمده است. در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت است (وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ)^۲. همچنین، با تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس و در امور مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، اعمال قوه مقننه نیز از طریق همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم ممکن است^۳.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به نحو کلی برای مشارکت شهروندان در اداره امور کشور و احراز اصل سلطه انسان بر زندگی و سرنوشت اجتماعی خویش، چهار طریق همه‌پرسی، انتخابات، تجمعات و اعتراضات و مشارکت در احزاب و انجمن‌ها را پیش‌بینی کرده است که می‌توان آن را به مثابه احترام به دموکراسی پنداشت. انتخابات مردم به دو صورت انتخاب رئیس‌جمهور (قوه مجریه) و نمایندگان مجلس شورای اسلامی (قوه مقننه) محقق می‌گردد. به علاوه، تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها بدون حمل سلاح، به شرط آنکه محل به مبانی اسلام نباشد، آزاد تلقی شده است^۴. در خصوص احزاب و انجمن‌های سیاسی نیز اصل بیست و ششم مقرر می‌دارد که: احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزاد هستند، مشروط بر اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت اما همان‌طور که پیش‌تر هم بیان گردید، کارآمدی این انجمن‌ها و شکل‌ها در گروی پیوستن آن‌ها به بخشی از نظام حاکمیتی است.

حق رأی: در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در راستای اداره حکومت بر مبنای اراده شهروندان، دو راه انتخابات و همه‌پرسی پیش‌بینی شده است. انتخابات در یک بیان عام، مجموعه عملیاتی است که در راستای گزینش و انتخاب فرمانروایان یا تعیین ناظرانی با هدف محدودسازی قدرت، تدبیر شده است. لذا، انتخابات به معنای فنون و شیوه‌های مختلف تعیین نمایندگان و به عبارت بهتر، ابزاری است که توسط آن می‌توان اراده شهروندان را در ایجاد نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال قدرت سیاسی مداخله داد (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۵: ۲۹۱). با توجه به موارد فوق، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ارزش بسیاری را برای رأی ملت قائل شده و مبنای اتخاذ تصمیم در مسائل عمومی و حکومتی را در مواردی که شورایی باشد، رأی اکثریت پیش‌بینی نموده است. در خصوص همه‌پرسی نیز اصل

۱. اصل ششم، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۲. مردان مؤمن و زنان مؤمن دوستان یکدیگرند، به نیکی فرمان می‌دهند و از ناشایست بازمی‌دارند. آیه هفتاد و یک، سوره توبه.

۳. اصل پنجاه و نهم، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۴. اصل بیست و هفتم، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

پنجاه و نهم قانون اساسی مقرر داشته که ممکن است اعمال قوه مقننه در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و غیره از طریق همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد.

آموزش و سلامت

آموزش در هر نظام سیاسی از جایگاه بسیار ویژه‌ای برخوردار است. هر جامعه، آموزش و پرورش را نهادبندی کرده و سازمان می‌دهد تا از طریق آن به آموزش افراد نسل جدید بپردازد و بقا و دوام اجتماعی خود را تضمین نماید. اساساً منزلت آموزش و پرورش به سبب موظف بودن این نهاد برای کشف، انتقال و مبادله دانش و علوم جدید است. گسترش نظام آموزش و پرورش و اهمیت یافتن دانش فنی و تخصصی به پیدایش اقشار اجتماعی جدید منجر شده و به تحول در سلسله‌مراتب قدرت منتهی می‌شود. در حقیقت، رشد نهادهای آموزشی و علمی، زمینه مشارکت مؤثر مردم در تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را فراهم می‌آورد و به نحوی در آن‌ها قابلیت و تحرک ذهنی ایجاد می‌سازد که باورهای مناسب توسعه را پذیرفته و درونی نمایند (علمی، ۲۰۱۰).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به این امر توجه داشته و دولت را موظف به تضمین آموزش نموده است. لذا، یکی از بزرگ‌ترین مسئولیت‌های دولت، توجه به تحصیل و آموزش شهروندان است. اصول سوم، بیست و نهم و چهل و سوم، متضمن این امر هستند.

وضعیت توسعه اجتماعی ایران

طبق گزارش‌های مؤسسه جهانی لگاتوم در سال‌های ۲۰۲۰، ۲۰۲۱ و ۲۰۲۳، در جدول شاخص رفاه یا کامیابی، جایگاه ایران در مقایسه با امارت متحده عربی و ایالات متحده آمریکا به شرح ذیل است:

جدول ۱: ایران و امارات متحده عربی. مأخذ: سایت مؤسسه جهانی لگاتوم.

رتبه	شرایط زندگی	محیط زیست	تحصیل	سلامت	اقتصاد	وضعیت سرمایه‌گذاری	حکمرانی	آزادی‌های فردی	امنیت	
۴۲	۳۸	۱۰۶	۴۹	۴۲	۳۷	۲۰	۴۱	۱۴۶	۴۹	امارات ۲۰۲۰
۴۱	۴۸	۱۱۸	۴۴	۳۶	۳۲	۲۱	۴۳	۱۴۵	۴۹	متحده ۲۰۲۱
۴۴	۴۷	۱۱۹	۴۲	۳۳	۲۶	۲۲	۳۸	۱۴۶	۵۰	عربی ۲۰۲۳
۱۲۰	۷۵	۱۵۵	۷۷	۸۱	۱۱۷	۱۵۲	۱۳۸	۱۶۵	۱۳۱	۲۰۲۰
۱۲۳	۷۵	۱۵۶	۷۵	۶۱	۱۳۸	۱۵۲	۱۴۵	۱۶۵	۱۳۱	ایران ۲۰۲۱
۱۲۶	۸۱	۱۵۸	۷۸	۵۸	۱۳۸	۱۶۲	۱۴۵	۱۶۵	۱۳۰	۲۰۲۳

مطابق گزارش مؤسسه جهانی لگاتوم، شاخص امنیت در امارات متحده عربی در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱، ثابت بوده و امارات متحده عربی موفق به حفظ جایگاه خود در رتبه ۴۹ از بین ۱۶۷ منطقه مورد ارزیابی شده است. این کشور در سال ۲۰۲۳، دچار تنزل رتبه شده و در رتبه ۵۰ از ۱۶۷ قرار گرفته است. ایران نیز در سال ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ با قرار گرفتن در رتبه ۱۳۱ از بین ۱۶۷ منطقه مورد ارزیابی، توانسته رتبه خود را حفظ کرده و در سال ۲۰۲۳ تا رتبه ۱۳۰ صعود نماید. در شاخص آزادی‌های فردی در سال ۲۰۲۰، امارات متحده عربی رتبه ۱۴۶ را تحصیل نموده و در سال ۲۰۲۱، اوضاع بهبود جزئی یافته و امارات متحده عربی موفق به کسب رتبه ۱۴۵ شده اما مجدداً در سال ۲۰۲۳ به رتبه سال ۲۰۲۰ بازگشته

و در رتبه ۱۴۶ قرار گرفته است. ایران در سال‌های ۲۰۲۰، ۲۰۲۱ و ۲۰۲۳ همواره در رتبه ۱۶۵ از میان ۱۶۷ منطقه مورد ارزیابی قرار گرفته که این شاخص، محل تأمل جدی است.

جدول ۲: جایگاه ایران در منا

امنیت	آزادی‌های فردی	حکمرانی	وضعیت سرمایه‌گذاری	اقتصاد	سلامت	تحصیل	محیط‌زیست	شرایط زندگی
۲۰۲۳	۱	۱۲	۳	۱	۳	۳	۶	۵
جایگاه ایران در منا ^۱	۲۰۲۳	۱۳	۱۸	۱۶	۱۸	۸	۹	۱۷

از میان کشورهای منا در سال ۲۰۲۳، ایران در رتبه ۱۳ از ۱۹ کشور عضو منطقه و در موقعیتی بهتر از کشورهای عراق، یمن، لیبی و سوریه قرار گرفته است. بررسی جایگاه ایران در منا در مقایسه با قطر، به‌عنوان مثال در شاخص امنیت که قطر در رتبه ۱ منطقه قرار گرفته است و ایران در رتبه ۱۳، همچنین با نظر به دین رسمی هر دو کشور که اسلام است، شاخص آزادی‌های فردی در قطر برابر با ۱۲ و ایران برابر با ۱۸ از میان ۱۹ کشور عضو است. سایر شاخص‌ها نیز به شرح فوق در جدول قابل مشاهده است.

جدول ۳: مقایسه وضعیت توسعه اجتماعی در ایران و دانمارک

اقتصاد	آزادی‌های فردی	محیط‌زیست	ایمنی و امنیت	حکمرانی	آموزش و پرورش	سلامت	رتبه نهائی
دانمارک	۷۶٫۸۱	۹۴٫۰۹	۷۳٫۹۴	۹۲٫۵۹	۸۹٫۴۵	۸۷٫۴۸	۸۱٫۰۱
ایران	۳۸٫۹۳	۱۷٫۰۹	۴۳٫۱۱	۵۵٫۷۵	۳۱٫۸۴	۶۳٫۷۵	۷۴٫۹۳

بنا بر گزارش مؤسسه جهانی لگاتوم، کشور دانمارک در سال ۲۰۲۳ صاحب برترین رتبه از میان مناطق مورد بررسی بوده است. برای نمونه، شاخص اقتصاد در این کشور به‌عنوان برترین رتبه برابر با ۷۶٫۸۱ است. این شاخص در ایران برابر با ۳۸٫۹۳ بوده و نشان از آن دارد که کشور ایران، مسیر دشواری را در مسیر نیل به توسعه اقتصادی و اجتماعی پیش رو دارد. در خصوص سایر شاخص‌ها نیز تفاوت‌های بسیاری بین کشور ایران و دانمارک وجود دارد و تنها در شاخص سلامت است که ایران در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار دارد اما همچنان در رتبه پایین‌تری از دانمارک قرار گرفته است.

بحث و نتیجه‌گیری

پیشرفت دانش بشری و حرکت کشورها در مسیر توسعه و عقب ماندن برخی کشورها از این مسیر، توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر اغلب ابعاد توسعه از بعد اجتماعی آن صراحتاً اشاره و تأکید شده است. با این وجود، کشور ایران همچنان از مسیر توسعه دور مانده است. نیل به توسعه اجتماعی نیازمند اصلاحات بنیادین در قوانین و عرف جامعه بوده و مشارکت همه‌جانبه مردم، مسئولین و دولت را اقتضاء دارد. مطابق الگوی پژوهش حاضر، نیل به توسعه اجتماعی مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با هفت مصداق کلی مواجه است:

نخست، توجه به آزادی‌های فردی؛ دوم، در نظر گرفتن حقوق اقلیت‌ها (جنسی و دینی)؛ سوم، بهره‌مندی شهروندان از امنیت (اعم از مادی و روانی)؛ چهارم، امکان و آزادی تشکله‌ها و انجمن‌ها؛ پنجم، توجه ویژه به اقتصاد؛ ششم، مشارکت همه‌جانبه شهروندان (توجه به دموکراسی در جامعه) و هفتم، توجه به آموزش و سلامت افراد جامعه.

۱. MENA: اصطلاحی است برای نامیدن کشورهای تولیدکننده نفت که واقع در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا هستند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همان‌طور که در متن به تفصیل به آن پرداخته شد، به حقوق و آزادی اقلیت‌های دینی بسیار توجه شده است اما در خصوص حقوق و آزادی اقلیت‌های جنسی و جنسیتی، هیچ اصلی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صراحتاً بر این امر نپرداخته است. با توجه به قوانین موضوعه و شرع اسلام، در این خصوص می‌توان اذعان داشت که این قشر با محدودیت‌های بسیاری مواجه هستند اما حرکت در مسیر توسعه مستلزم احترام به حقوق و آزادی‌های هر فرد به عنوان عضوی از جامعه است.

دولت، یک نهاد بهره‌مند از انحصار شامل وزارتخانه‌ها، کلیه نهادهای قانون‌گذار، دستگاه دیوانی، ارتش، احزاب سیاسی و بنگاه‌های اقتصادی بخش عمومی است. دولت، نقش‌های بی‌شماری را در عرصه اقتصادی بر عهده دارد اما مطمئن نظر در این بخش، صرف فعالیت‌های دولت در مسیر توسعه اقتصادی است که هم‌سویی آن با توسعه اجتماعی از الزامات توسعه اجتماعی به شمار می‌آید و از دیگر الزامات حرکت در مسیر توسعه از بعد اقتصادی آن، توجه به دولت حداقلی است. دولت حداقلی به دولتی اطلاق می‌گردد که خود، بخشی از اختیارات و وظایف خویش را به بخش‌های خصوصی و نهادهای مدنی واگذار کند. این امر در حالی است که در جامعه ایران، دولت به عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مجری در اغلب زمینه‌ها دستی در صحنه دارد. با در نظر گرفتن کشورهای توسعه‌یافته، این امر مانعی بزرگ بر سر راه توسعه، بالأخص ابعاد اجتماعی و اقتصادی آن است.

منابع

- از کیا، مصطفی، زنجانی، حبیب‌الله، سید میرزایی، سید محمد و برغم‌دی، هادی. (۱۳۹۳). بررسی سطح توسعه اجتماعی در شهر تهران، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۶(۴)، ۸-۲۱.
- ایزدی، حسین. (۱۴۰۱). عدالت و توسعه اجتماعی، *نشریه توسعه اجتماعی*، ۱۶(۴)، ۱۸۱-۲۲۵.
- آشوری، داریوش. (۱۳۷۳)، *دانشنامه سیاسی*. چاپ سوم، تهران: نشر مروارید.
- پورافکاری، نصرالله و محمد یارزاده، سجاد. (۱۳۹۲). نقش فرهنگ‌سازی احترام به افکار عمومی در توسعه اجتماعی، *نشریه مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۵(۴)، ۱۱۵-۱۲۰.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۳). سیاست اجتماعی، توسعه اجتماعی و ضرورت آن در ایران، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۰، ۱۲۱-۱۵۴.
- تودارو، مایکل. (۱۳۷۰)، *توسعه مدل‌ها و روش‌ها*. ترجمه عرب مازار، سازمان برنامه و بودجه.
- داورزنی، طاهره. (۱۳۹۹). بررسی گفتمان‌های توسعه اجتماعی متکی بر ارزش‌ها و فرهنگ کشور، *نشریه تحقیقات جدید در علوم انسانی*، ۳۱، ۳۳-۴۸.
- رضایی، زهرا. (۱۳۸۶). توسعه اجتماعی در ایران، شاخص‌ها و موانع، *نشریه پژوهشنامه*، ۱۴، ۱۵-۴۸.
- رفیعی، سیده نسترن. (۱۳۹۲). توسعه اجتماعی، شاخص‌ها و جایگاه ایران در جهان، *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی*، ۲(۱)، ۱۴۹-۱۷۱.
- ریاحی، وحید. (۱۳۸۱). وضعیت فعلی جامعه ایران با نظر به شاخص‌های توسعه اجتماعی، *مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی*.
- عبداللهی، محمد. (۱۳۷۲). جامعه‌شناسی و توسعه اجتماعی در ایران، *نشریه رهیافت*، ۶، ۴۰-۵۲.
- عبداللهی، محمد. (۱۳۸۴). توسعه اجتماعی، *نشریه فرایند مدیریت و توسعه*، ۶۲، ۱۴-۲۱.
- غفاری، غلامرضا. (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی و ناپایداری توسعه اجتماعی در ایران، *نشریه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۲۲، ۵-۲۵.
- فاضلی، محمد، فتاحی، سجاد و زنجان حقی، محمدعلی. (۱۳۷۳). *فرایند تشکّل‌ها در توسعه اجتماعی و اقتصادی ایران*. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.

- فاضلی، محمد، فتاحی، سجاد و زنجان رفیعی، سیده نسترن. (۱۳۹۲)، توسعه اجتماعی، شاخص‌ها و جایگاه ایران در جهان، نشریه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، (۱)۲، ۱۴۹-۱۷۱.
- لشکری، محمد. (۱۳۷۷). شاخص‌های رفاه اجتماعی، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۳۱، ۲۱۴-۲۲۴.
- محمدی، قاسم و سلیمانی درچه، محمد. (۱۳۹۲). ابعاد حقوقی اعمال حق رأی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه بررسی‌های حقوق عمومی، (۲)۲، ۱۲۵-۱۲۷.
- موسوی، سید مهرداد. (۱۳۸۵). جایگاه توسعه اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشریه علوم سیاسی، ۱، ۲۲۱-۲۳۴.
- نیک‌بخت، مرجان. (۱۳۸۸). نقش فناوری اطلاعات در توسعه فرهنگی، نشریه روابط عمومی، ۷۰، ۶-۱۱.
- ولی زاده، عادل، احمد رش، رشید و ساعی ارسی، ایرج. (۱۳۹۷). مطالعه تاریخی نقش مناسبات نظام بازار در توسعه اجتماعی ایران (با تأکید بر دوران معاصر)، نشریه مطالعات توسعه اجتماعی، (۲)۱۰، ۱۰۵-۱۲۵.
- Boudin, R. (1989). *Acritical Dictionary of Sociology*. London: Routledge
- Coleman, J. (1994), *Foundation of social theory*. Harvard University press
- Dunning, J. H. (2004). Towards a new paradigm of Development implications for International Business Research.
- Jeffery, A. (1990). Real civil societies the Dilemas of institutionslism, *Sage studies in International Sociology*.
- Pandey, R. (1986). *Sociology of under development*. Delhi Mittal.
- Stieglitz, J. (2002). Participation and Development, *Review of Development Economics*, 163-182.

استناد به این مقاله: رنجکش سیاهکل، الهه و مرادی، صادق. (۱۴۰۲). بررسی عناصر اصلی و ارائه الگو در راستای توسعه اجتماعی با بهره‌گیری از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه تحقیقات نوین میان‌رشته‌ای حقوق، (۲)۳، ۳۲-۵۰.



Modern Interdisciplinary Research in Law is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.